



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[illegible]

فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران



فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران به دنبال پاسخ به سوالاتی از این قبیل است که :

- * در جمهوری اسلامی ایران ، برنامه های تربیتی چه اهدافی را دنبال می کنند یا به دنبال پرورش و تربیت چه نسلی هستند ؟
- * این اهداف و برنامه ها از کجا (از چه منبعی) آمده اند ؟
- * چرا و بر چه اساسی منابع و اهداف فوق انتخاب شده اند و منابع و اهداف دیگر فرو گذاشته شده اند ؟
- * چگونه می توان به اهداف تعیین شده دست پیدا نمود ؟

برای فلسفه ، تا کنون تعاریف و برداشت های گوناگونی ارائه شده است

بدیهی است بسته به اینکه فلسفه را با کدام معنا و برداشت در نظر بگیریم ، تعریف ما از فلسفه تربیت نیز متفاوت خواهد بود

اگر فلسفه را "روشن تفکر" تعریف نماییم ، در آن صورت ، تعریف فلسفه تربیت "روشن تفکر در باب تربیت" خواهد بود.

اگر فلسفه را "رسته ای که به بررسی تأثیر هستی شناسی ، انسان شناسی و شناخت شناسی بر موضوعات اساسی زندگی می پردازد" در نظر بگیریم ، در آن صورت ، تعریف فلسفه تربیت به صورت "بررسی تأثیر هستی شناسی ، انسان شناسی و ... بر تربیت" جلوه گر خواهد شد.

مثال

برای فلسفه ، تعاریف دیگری همچون **روشنگری مفاهیم از راه تحلیل آنها ، تامل نظام دار در باره جهان و انسان ، مطالعه و تفکر در موضوعاتی انتزاعی همچون ذهن ، ماده ، عقل و مانند آن** نیز ارائه شده است



تعریف منتخب از فلسفه

بررسی عقلانی چیستی ، چرایی و چگونگی یک پدیده یا یک موضوع

می توان پیش بینی نمود که **موضوع اصلی** فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران نیز چیزی جز "بررسی عقلانی چیستی ، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران" نباشد.





کارکرد یا ضرورت وجود فلسفه تربیت

یکی از سوالات مهم در حوزه تربیت این است که

"اساسا اگر کشور یا جامعه ای فلسفه تربیت نداشته باشد چه اتفاقی می افتد؟"

"اگر معلمان و مسئولان تربیتی یک کشور فلسفه تربیت کشور خود را ندانند چه مشکل یا مشکلاتی به وجود خواهد آمد؟"

پاسخ به سوال نخست با توجه به تعریف منتخب از فلسفه تربیت چندان مشکل به نظر نمی رسد. فلسفه تربیت را با نظر به تعریف و هدف آن می توان به نقشه راهی تشبیه نمود که بدون آن پا گذاشتن در مسیر تربیت افراد، سرانجام و حاصله جز سردرگمی، اتلاف منابع و ضایع نمودن عمر انسان ها در بر نخواهد داشت

اقدام به حرکت بدون نقشه تنها در صورتی ممکن است که مکتب یا دیدگاهی "خود حرکت در مسیر یا به اصطلاح در راه بودن را" هدف زندگی و تربیت بداند و هدفی بالاتر برای آن قائل نباشد که در این صورت باید از آن مکتب و طرفدارانشان پرسید: "بر چه اساس و یا استدلالی، این هدف را برای زندگی و تربیت انتخاب نموده اید و از کجا معلوم این انتخاب انتخاب درستی باشد؟" پاسخ به این سوالات در قالب مباحث فلسفه تربیت می گنجد

کارکرد یا ضرورت وجود فلسفه تربیت

شناخت کارکردهای فلسفه تربیت

کارکرد تبیینی - تجویزی

فلسفه تربیت در قدم اول وضع مطلوب و یا همان اهداف تربیت را (در آینده) و اینکه چه باید کرد را بیان می نماید
 ★ تبیین با توصیف (هست ها و چرا ها) سرو کار دارد و تجویز با بایدها

کارکرد تحلیلی - انتقادی

به نقد مفاهیم ، اهداف و روش های موجود (حال حاضر) در تربیت کشور مربوط می شود.
 فلسفه تعلیم و تربیت همانند سنگ ترازوی است برای سنجش و ارزیابی عمل تربیتی که در حال اجراست و طبیعتاً است بدون آن ،
 ارزیابی های تربیتی در عمل به مثابه توزین بدون ترازو و فقط با حدس و گمان خواهد بود

کارکرد پژوهشی

گزاره های فلسفه تربیت می توانند زمینه انجام پژوهش های مرتبط با تربیت را فراهم ساخته و طراحان و ابداعات تربیتی را تسهیل نمایند ،
 درست همانگونه که یک نظریه یادگیری می تواند الهام بخش محققان در زمینه طراحی پژوهش های مرتبط با یادگیری باشد .

وجود فلسفه تربیت (رسمی و عمومی) برای تربیت یک جامعه ضروری است زیرا هم راه را نشان می دهد ، هم امکان ارزیابی و نقد راه رفته را فراهم می سازد و هم ابزار لازم را برای امتحان کردن بهترین مسیرها در اختیار متولیان قرار می دهد

پاسخ به سوال دوم : اگر کشوری فلسفه تربیت داشته باشد ، اما دست اندکاران امر تربیت در آن کشور (به ویژه معلمان و مدیران) از فلسفه تربیت جامعه خود مطلع نباشند و یا به آن پایبند نباشند ، آیا سرنوشتی جز گسیختگی اجتماعی ، بی برنامه‌گی ، بی سرانجامی و در یک کلام عقب ماندگی ، واپس گرایی و ناامیدی در انتظار آن جامعه خواهد بود ؟ معلم و مدیر و مسئولی که نمی داند در دورنمای تربیت می خواهد به کجا برسد و چه به دست آورد و چه نسلی را تربیت کند ، چگونه می تواند راهنمای خیل عظیمی از فرزندان یک مملکت گردد و برای آنها برنامه ریزی نماید ؟

معلمان رسمی در یک کشور به نوعی مالک و صاحب تربیت در آن کشور تلقی می شوند

رابطه تربیت با فلسفه

دیدگاه ها راجع به ارتباط تربیت با فلسفه را می توان به سه دسته کلی تقسیم نمود :

- ۱- تربیت ارتباطی با فلسفه ندارد و هر یک از این حوزه ها به موضوع خاص جداگانه ای می پردازند و راه خود را می روند .
- ۲- تربیت وابسته به فلسفه است و در طراحی اهداف ، انتخاب محتوا و حتی روش های تربیت متکی به فلسفه است .
- ۳- تربیت شاخه ای از معارف بشری است که می تواند از یافته های فلسفه برای پیشبرد اهداف خود بهره برد .

انتخاب هر یک از این دیدگاه ها تا حد زیادی به برداشت ما از معنای فلسفه بستگی دارد . با توجه به تعریف فلسفه در این نوشتار (یعنی تبیین چیستی ، چگونگی و چرایی) ، به نظر نمی رسد تفاوت چندان بین دیدگاه دوم و سوم وجود داشته باشد . با این تعریف ، از سوی تربیت نمی تواند بدون فلسفه باشد (حتی اگر به صراحت به فلسفه آن اشاره نشود یا آن فلسفه در قالب طرح منسجمی ارائه نشود) و از سوی دیگر ، از مباحث و شیوه های تفکر فلسفه می توان به نفع تربیت بهره برد

انواع فلسفه تربیت

فلسفه های تربیت را با توجه به گستره ، اهداف و مأموریت هر یک از آنها می توان به چند دسته تقسیم نمود :

فلسفه تربیت عام

تربیت به بحث های کلی و کلان تربیت فارغ از مکان و زمان می پردازد و برای عملی نمودن چنین فلسفه هایی نیازمند حکومت جهانی هستیم تا قدرت و بازوی اجرا را در اختیار داشته باشیم

فلسفه تربیت علمی

علمی متشکل از یافته های تجربی در زمینه هستی شناسی ، انسان شناسی و معرفت شناسی می داند و به دنبال انطباق تربیت با این یافته ها است

فلسفه تربیت شخصی

مستلزم بردیدگاه های فردی و شخصی هر فرد راجع به ماهیت و مراحل تربیت است . فلسفه تربیتی موسسه یا مدرسه نیز بیانگر دیدگاه ها و آرزوهای تربیتی برخی افراد همفکر می باشد که با توافق و همکاری با یکدیگر یک موسسه تربیتی یا مدرسه را راه اندازی نموده و اهداف خاص تربیتی را برای موسسه خود دنبال می نمایند .

فلسفه تربیت یک مدرسه یا موسسه و فلسفه تربیت یک جامعه (یا اجتماع)

به دنبال طراحی برنامه کلان تربیتی نه برای همه کشورها ، بلکه برای یک جامعه خاص با ویژگی های خاص و در یک دوره زمانی خاص می باشد

رابطه و تفاوت " فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران " با " فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران "

در این بخش ، به تفاوت بین فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران می پردازیم . فلسفه تربیت بسیار کله تر از فلسفه تربیت رسمی و عمومی است و از یک دیدگاه دینیه یا فلسفه یا ترکیبی از آن دو نشات می گیرد و در آن تنها دورنمای تربیت (اهداف ، برنامه ها و اصول کله تربیت) مورد بحث قرار می گیرد . در حقیقت ، فلسفه تربیت با جزئیات چندان کاری ندارد و بیشتر به دنبال ارائه زیرساخته محکم و مدلل برای جهت گیری های کله تربیت است و تربیت را نیز در رابطه با سن یا دوره خاصه از زندگی یا مکان خاصه مطرح نمی نماید اما فلسفه تربیت رسمی و عمومی در درون فلسفه تربیت رشد می کند و محدود تر از آن است و در حقیقت برگرفته از همان فلسفه و جزئی از آن است . از این رو ، برنامه ها و تصمیمات آن نیز نمی توانند خارج از چارچوب کله فلسفه تربیت تعریف و تعیین گردند . به عبارت دیگر ، فلسفه تربیت رسمی و عمومی نقشه ی راهی است که به طور مدلل و البته جزئی تر ، برنامه و اهداف تربیت را آنهم برای محدوده سنی خاصه یعنی " در محدوده تحصیلات مدرسه ای (از پیش دبستان تا انتهای دبیرستان ") مشخص می سازد

از آنچه تا کنون بحث شد می توان به تفاوت "تعلیم و تربیت اسلامی" با "فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی" نیز پی برد .
تعلیم و تربیت اسلامی (یا همان تربیت اسلامی) مجموعه توصیه های است که در متون دینی و اخلاقی در باره تربیت آمده است، بدون اینکه توضیح یا استدلالی در مورد مبنا و چرایی آن ارائه شده باشد . اما فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (یا همان فلسفه تربیت اسلامی) تلاشی است برای ایجاد پیوند میان همان توصیه ها از یک طرف و نگرش اسلام به جهان هستی و انسان و زندگی از طرف دیگر . به عبارت دیگر ، فلسفه تربیت همان توصیه ها را با منطق و استدلال و توجیه عقلانی و وحیانی همراه می سازد .

جایگاه تعلیم و تربیت

یکی از سوالات اساسی در زمینه جایگاه تربیت این است که برای اصلاح یک جامعه باید ابتدا سیستم به طور صحیح کار کند تا بتوان افراد آن را تربیت و اصلاح نمود یا این که باید ابتدا افراد را تربیت صحیح نمود تا سپس سیستم اصلاح شود و به طور صحیح کار کند؟ به عبارت دیگر، آیا اصلاح سیستم بر تربیت مقدم است یا تربیت بر اصلاح سیستم؟

برای اصلاح جامعه باید فرماندهی را به نظام تربیتی سپرد و بر روی آن سرمایه گذاری اختصاصی نمود، اما نباید به هیچ وجه از عملکرد سیستمی (یعنی تأثیر گذاری دیگر عوامل بر تربیت) هم غافل شد.